



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.2, No.1, Issue 5, Spring 2023, P:45-66

Receive Date: 2023/01/01

Revise Date: 2023/04/30

Accept Date: 2023/05/07

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI: 10.30495/jcl.d.2023.1975157.1038

### Analysis of the Role of Community-Oriented Police in the Light of Restorative Justice (with an Emphasis on the Criminal System)

Sayed Sajjad Razzaghi mousavi<sup>1</sup>Mehrdad Rayejianasli<sup>2</sup>

#### Abstract

Police institutions, which have a long archaism in different societies, were formed with the main purpose of maintaining public order and preventing crime occurrence. This institution, like public order, has evolved over the past decades in accordance with the evolution of the society's understanding of the criminal phenomenon and has shifted from traditional approaches to the new and community-oriented approaches. Nowadays, countries have faced an increase in crimes, which has caused insecurity and mistrust to the police in the society. In order to deal with this insecurity and mistrust, the governments decided to decentralize the police and also assign an important role to the society in fighting against crimes. Also, according to the current society's need for a police model which is different from the traditional police model, a restoration police was formed to respond to these needs. By using the descriptive-analytical method, the following article acknowledges the important and influential role of the police in resolving disputes and criminal issues as one of the actors of the criminal justice system. Among the most important preventive strategies of community-oriented police, we can point out the realization of interactive police instead of repressive police, the realization of ethical police instead of forceful police and playing the role of warning police instead of chasing police. On the other hand, changing the strategy from violent policies to participation-oriented criminal policies and also moving in the direction of community-oriented police model governance are among these requirements. In other words, the implementation of rehabilitation programs in the police organization requires the trust of the victims in the police as well as dignified behavior towards the victims.

**Keywords:** restorative justice, criminal justice system, judicial system, counseling and support units of police stations, community-oriented police.

<sup>1</sup>. Master's degree in criminal law and criminology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.  
mousavisajjad98@gmail.com

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Humanities Research and Development Institute (Samt), Tehran, Iran (corresponding author). mehrdad.rayejian@gmail.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال دوم - شماره ۱ - شماره پیاپی ۵ - بهار ۱۴۰۲، ص ۴۵-۶۶  
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷  
 نوع مقاله: پژوهشی شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹  
 DOI: 10.30495/jcld.2023.1975157.1038

## واکاوی نقش پلیس جامعه محور در پرتو عدالت ترمیمی ( با تاکید بر سامانه جنایی )

سید سجاد رازقی موسوی<sup>۱</sup>  
 مهرداد رایجیان اصلی<sup>۲</sup>

### چکیده

نهادهای پلیسی که در جوامع مختلف از قدمتی دیرینه برخوردارند، با هدف اصلی حفظ نظم عمومی و جلوگیری از وقوع جرم تشکیل شده‌اند. این نهاد همانند نظم عمومی در طی دهه‌های گذشته و به تناسب تحول درک جامعه از پدیده مجرمانه دچار تحول گردیده و از رویکردهای سنتی به رویکردهای نوین و اجتماع محور گرایش یافته است. در عصر حاضر، کشورها با افزایش جرائم مواجه شده‌اند که این امر باعث ناامنی و بی‌اعتمادی به پلیس در جامعه شده است. در مورد مقابله با این ناامنی و بی‌اعتمادی دولت‌ها تصمیم به تمرکز زدائی از پلیس و همچنین قائل شدن نقش مهمی برای جامعه در مبارزه با جرائم شدند. همچنین با توجه به نیاز جامعه کنونی به الگوی پلیسی متفاوت با الگوی پلیس سنتی، پلیس ترمیمی برای پاسخ به این نیازها شکل گرفت. مقاله پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، بر نقش مهم و تأثیرگذار پلیس در حل و فصل اختلافات و مسائل کیفری، به عنوان یکی از کنشگران سامانه عدالت جنایی اذعان می‌کند. از میان مهمترین راهبردهای پیشگیرانه پلیس جامعه محور می‌توان به تحقق پلیس تعامل‌گرا به جای پلیس سرکوبگر، تحقق پلیس اخلاق مدار به جای پلیس زور مدار، و ایفای نقش پلیس هشدار دهنده به جای پلیس تعقیب کننده اشاره نمود. از سوی دیگر، تغییر راهبرد از سیاست‌های خشن به سیاست‌های جنایی مشارکت محور و نیز حرکت در مسیر حاکمیت الگوی پلیس اجتماع محور از جمله این الزامات است. به دیگر سخن، اجرای برنامه‌های ترمیمی در سازمان پلیس نیازمند اعتماد بزه‌دیدگان به پلیس و نیز رفتار کرامت مدار با بزه‌دیدگان است.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، سامانه عدالت جنایی، نظام دادرسی، واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها، رویکرد جامعه محور، پلیس ترمیمی.

<sup>۱</sup> دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
 mousavisajjad98@gmail.com  
 mehrdad.rayejian@gmail.com

موضوع و مفهوم امنیت، یکی از مفاهیم مهم و جدید در دنیای مدرن و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از حوزه‌های علوم اجتماعی از منظری خاص و با زوایایی متفاوتی به این مقوله پرداخته‌اند. از چند دهه اخیر، تغییراتی اساسی در شرایط اجتماعی زندگی بشر و نظام اجتماعی رخ داده است و اندیشمندان حقوقی اصطلاحات متفاوتی را برای توصیف این تغییرات به کار برده‌اند. افزون بر آن، به دلیل افزایش جرایم در جامعه نقش پلیس در کاهش جرائم پررنگ‌تر شده و با تعیین نهادهایی برای جذب مشارکت ارگان‌های دولتی و غیردولتی با هدف پیشگیری از جرم و همچنین عضویت ایران در کمیته‌های حقوق بشر سازمان ملل، پلیس از حالت واکنشی به کنشی و جامعه محور گرایش پیدا کرده است. به همین سان، یکی از گونه‌های اصلی تغییر جهت در راهبرد عدالت جنایی، عدالت ترمیمی است که با رویکرد جدید به پدیده بزهکاری و پاسخ‌دهی به آن می‌نگرد، عدالت ترمیمی می‌تواند به عنوان چتر مفهومی<sup>۱</sup> در نظر گرفته شود که اصول مختلف در آن جای می‌گیرد و در پی آن، مفاهیم مختلف و زمینه‌های مشترک یکدیگر را باز می‌جویند (Shapland, 2011, 4).

پلیس جامعه محور، الگوی جدید پلیسی است که در آن امنیت با مشارکت مردم صورت می‌پذیرد. اهداف اصلی آن، کاهش جرم و ارتقای احساس امنیت در جامعه است؛ از این رو، مشارکت آحاد جامعه و شهروندان و ارائه راه حل‌های ابتکاری برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی از جمله شاخص‌های این رویکرد است.

همچنین، دیدگاه جامعه محوری پلیس بر این عقیده است که نظام سلسله مراتبی که در آن دستورات از بالا به پایین دیکته می‌شود و برخورد واکنشی و سرکوبگرانه با جرم، نتیجه‌ی چندانی به بار نمی‌آورد؛ بلکه اکنون وقت آن است که پلیس، به نحو محلی کار کند و بیشتر در امر پیشگیری از جرم سرمایه گذاری نماید؛ چراکه هر محله از موقعیت خاصی نسبت به محله‌های دیگر برخوردار است و نحوه مبارزه با جرم در هر محله با محله‌ی دیگر متفاوت است؛ به دیگر سخن، ایجاد پلیس محلی این امکان را به وجود می‌آورد که از ظرفیت‌های موجود در محله و همکاری و مشارکت شهروندان برای پیشگیری از جرم استفاده شود و رابطه پلیس و مردم مستحکم‌تر شده و اعتماد و صمیمیت بیشتری میان آن‌ها به وجود بیاید.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه‌ها و مؤلفه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری و اقدامات سازشی میان طرفین دعوی را مورد توجه قرار داده؛ به گونه‌ای که ماده ۱ این قانون، قواعد و مقررات حاکم بر میانجیگری و صلح میان طرفین را بخشی از تعریف و از عناصر آیین دادرسی کیفری دانسته است. پلیس (نیروی انتظامی)، ضابط عام دادگستری، از کشندگان اصلی برابر پدیده مجرمانه و

<sup>۱</sup>. Conceptual umbrella

نهاد اصلی شناسایی و بررسی جرم، در مقایسه با سایر نهادها ارتباط نزدیک تری با بزه‌دیدگان دارد؛ از این جهت و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانی و فرصت‌هایی که ناشی از جایگاه و نقش برجسته آن در مبارزه با پدیده مجرمانه است، می‌تواند نقش مهمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی ایفاء کند.

در مقابل، حضور یک نهاد رسمی که از سیاست‌های حاکمیتی دولت‌ها متأثر می‌گردد، آسیب‌هایی را در اجرای الگوی ترمیمی به دنبال خواهد داشت؛ به عبارت دیگر تناقضی که مطرح می‌شود از فلسفه وجودی پلیس به عنوان یک نهاد متولی ایجاد نظم و امنیت، با برنامه‌های ترمیمی که اقدامی در راستای به حداقل رساندن مداخله کیفری و اطلاع دادرسی و در واقع کاهش چتر کنترلی حاکمیت بر فرایند دادرسی‌ها است، ناشی می‌شود. رفع این آسیب‌ها مستلزم تحول در ساختار پلیس سنتی به سوی پلیس جامعه محور و تغییر مأموریت آن از مجری صرف سیاست کیفری بودن، به سوی انجام سیاست‌های جنایی مشارکت مدار است.

هدف اصلی این مقاله تبیین نقش ترمیمی پلیس و لوازم و مقدمات ضروری آن سازمان برای نیل به اهداف الگوی عدالت ترمیمی با لحاظ ظرفیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری است و از این منظر بدیهی است که تاکنون به نقش تخصصی پلیس و اقداماتی که این نهاد با ظرفیت‌های خود می‌تواند در برنامه‌های مختلف عدالت ترمیمی ایفاء کند، پرداخته نشده است. ضمن اینکه بررسی زمینه‌ها و بسترهای جدیدی که در این موضوع با توجه به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ فراهم گردیده، قابل تأمل خواهد بود. این مقاله، پاسخ به این مسأله است که چه پیامدهایی بین پلیس و دادگستری در تحقق عدالت ترمیمی در تعامل با نظام کیفری برقرار است؟

از آنجا که عدالت ترمیمی، در کنار مصالح جامعه، به تأمین و رعایت همتراز حق‌های بزه‌دیده و بزه‌کار (از جمله، جبران و ترمیم بزه‌دیدگی و اصلاح و بازپروری کرامت مدار) نیز نظر دارد، به نظر می‌رسد که با مبانی و آموزه‌های پلیس، سازگار است.

### ۱. کنشگری ترمیمی توسط پلیس

قدمت رویکرد اجرای امور پلیس جامعه محور به اندازه رویکرد اجرای امور پلیسی سازمان یافته است. به همین‌سان، در سال ۱۸۲۹ میلادی، سر رابرت پیل، طرح نیروی پلیس حرفه‌ای را به پارلمان انگلستان معرفی کرد که این طرح به تشکیل نیروی پلیس مرکزی منجر شد و در نهایت قانون پلیس کلان شهری در همان سال به تصویب رسید و اداره امور پلیس پیشرفته آغاز شد؛ بدین ترتیب، در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی اصطلاح پلیس جامعه محور شایع شد و جای واژگانی چون «ارتباط پلیس با جامعه»، «پلیس تیمی» و «پلیس مشکل‌گشا» را گرفت؛ به عبارتی، پلیس جامعه محور عبارت است از «راهبر و خط‌مشی با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی،

گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به منابع جامعه که در صدد تغییر شرایط جرم خیز هستند».

اما نباید از نظر دور داشت، این امر مستلزم مسئولیت پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است. آنچه در این میان به ذهن می‌رسد، این است که بر اساس اصول و قواعد کلی، پلیس جامعه محور بر این فرض استوار است که مراقبت پلیسی وقتی مؤثر خواهد بود که از پشتیبانی و مشارکت مردم برخوردار باشد و جنبه‌های مختلف نقش پلیس در زمینه خدمات اجتماعی و حفظ نظم به رسمیت شناخته شود.

گفتنی است، این دیدگاه به پیشگیری غیرکیفری از کج‌روی‌ها در مقایسه با راهبرد کیفری اولویت می‌دهد. تا بدین جای مراتب، پلیس جامعه محور به پلیسی گفته می‌شود که دو هدف عمده را در راهبرد خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی دنبال می‌کند.

به همین ترتیب، می‌توان رویکرد جامعه محوری پلیس را یک نوع استراتژی سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است؛ اولین پایه این راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور خدمتگذاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. در واقع، یکی از اهداف اصلی آن، «سازمانی برخاسته از مردم، در کنار مردم و برای مردم» می‌باشد.

دومین پایه راهبردی جامعه محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله‌ی نظم و امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که پلیس نه می‌خواهد و نه می‌تواند که به تنهایی نظم و امنیت را در جامعه برقرار کند؛ بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند کمک و حمایت مردم و دیگر سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یکی از سازمان‌هایی که به دلیل جایگاهش می‌تواند در اجرای مفید و مطلوب این برنامه نقش مؤثری داشته باشد، پلیس هست. کارکنان این سازمان به ویژه کسانی که در کلانتری‌ها انجام وظیفه می‌نمایند، معمولاً، اولین کسانی هستند که در پی وقوع جرم با بزه‌دیده و متعاقباً با بزه‌کار برخورد می‌نمایند و معمولاً این تعاملات به دفعات و به دلایل مختلف و گاهی تا پایان رسیدگی کیفری به طول می‌انجامد؛ به عبارت بهتر، این نقش بی‌بدیل با توجه به قوانین و شرایط اجتماعی در کشور ما می‌تواند، در راستای تحقق برنامه‌های عدالت ترمیمی نقش منحصر به فردی ایفاء کند.

با این تفسیر، سیاست جنایی برای اعاده نظم از دسته رفته ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه و همچنین در سطح کلی برای کاهش بی‌نظمی و پیشگیری و کنترل جرائم، سیاست‌های اجرایی مختلف رسمی و غیررسمی را به کار می‌گیرد. چه بسا، پلیس به عنوان بازوی نظام عدالت جنایی در برخورد با جرائم پیشگام است و با توجه به اختیارات و اجرای شیوه‌های نوین (فرآیندهای عدالت ترمیمی)، نقش مهمی را در حل و فصل مسالمت آمیز مشارکتی مسائل کیفری ایفا می‌کند.

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که پلیس در نظام عدالت جنایی سنتی با محدودیت‌ها و انتقادهایی مواجه است، به طوری که صاحب نظران خواستار اصلاح آن شده‌اند. در واقع با سیستم سنتی پلیس مشکلاتی در جامعه، همانند افزایش وقوع جرم، افزایش ناامنی، صرفه هزینه و وقت زیاد در رسیدگی و سیستم اداری و به طور کلی ناکارآمدی در اجرای عدالت و بسیاری دیگر از محدودیت‌ها و نارساهایی دیگری که وجود دارد، جامعه را نیازمند الگوی از پلیس می‌کند، با استفاده از الگوی مشارکتی و مداخله کردن افراد جامعه در حل مشکلات که پیشینه نشان دهنده مثبت بودن نتایج مشارکت است، الگوی جدیدی از پلیس را نوید می‌دهد.

پلیس ترمیمی، خلاف پلیس در نظام عدالت جنایی سنتی که محدود به قانون و در مقام ضابط دادگستری فعالیت‌های تعریف شده‌ای به وسیله قانون دارد، به صورت فعال در جامعه حضور دارد و در پی اهداف آینده‌نگرانه برای برقراری رابطه‌ی خوب میان پلیس و مردم برنامه ریزی کرده است تا با استفاده از آن گفتگو و مصالحه را در سطح جامعه برای حل و فصل مشکلات کیفری با مشارکت دادن صاحبان اصلی عدالت در تصمیم‌گیری‌ها فراهم سازد و پلیس از این طریق بتواند به دنبال اهدافی از قبیل زمینه ارتکاب جرائم را از بین برده و به اصلاح امور بپردازد. در واقع، پلیس ترمیمی برای ایجاد مشارکت با جامعه در حل و فصل مسالمت آمیز جرایم به وجود آمده است.

بنابراین لازم است پلیس ساختار خود را با این برنامه‌ها هماهنگ و در جهت آن تغییر دهد و همچنین نیاز است مأموران پلیس از رئیس تا نیروی عادی صرف نظر از واحدی که در آن به خدمت مشغول هستند، در ارتقا و نهادینه کردن این برنامه‌ها در اصول و اساس برنامه‌های پلیس تلاش کنند. بدین‌سان، پلیسی‌گری ترمیمی یا گفتمان سازی مقوله عدالت ترمیمی، در میان مأموران پلیس به دنبال حاکم نمودن شکل جدیدی از تفکر در بین مأموران پلیس است که به ایشان القاء نماید که در تمام زمان‌ها، مکان‌ها، موضوعات و افراد باید به صورت ترمیمی بیانديشند و عمل نمایند. تعمیم این نوع تفکر و عملیاتی آن علاوه بر نیاز به گفتمان سازی، مستلزم تهیه مقدمات آن است.

هر چند حضور پلیس در برنامه‌های ترمیمی دارای مزایای فراوانی است؛ لیکن آسیب‌هایی را نیز به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به تعمیم شبکه رسمی کنترل اجتماعی از طریق ورود نهادهای مدنی (Braithwaite, 2002, 78) ابهام و اجمال در تعیین اختیارات پلیس و امکان عدول از انجام وظایف و عدم عملکرد واقعاً ترمیمی اکثر مأموران پلیس (Ashworth, 2002, 578) تأثیرپذیری پلیس به عنوان نهادی رسمی از سیاست‌های حکومت که ممکن است، مدل‌های ترمیم مدار را تا مرز سیاست‌های عوام‌گرایانه سوق دهد، عدم کنترل بر عملکرد ترمیمی پلیس، نتایج معکوس حاصل از عملکرد غیرصحيح پلیس و به خطر افتادن نظم و امنیت و یا حقوق مسلم افراد در صورت تسامح و تساهل در انجام وظایف و ... اشاره کرد.



سرانجام می‌توان بیان داشت، تحقق اهداف عدالت ترمیمی مستلزم وجود کنشگرانی است که ضمن آشنایی با مبانی و اهداف عدالت ترمیمی، به اصول آن نیز اعتقاد داشته باشند؛ چراکه در بسیاری از موارد، پلیس یکی از مهمترین نهادهای مسئول پاسخ دهی به پدیده مجرمانه و اولین نهاد مراجعه بزه‌دیدگان پس از وقوع جرم، نقش مهمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی دارد؛ افزون بر آن، موفقیت پلیس در این راه مستلزم تغییراتی در ساختار و نیز تغییر نگرش پلیس است. در غالب موارد، لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی ثانویه، اطلاع دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام کیفری، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده خواهد شد.

بنابراین از مطالب فوق می‌توان این گونه استنباط کرد که توجه پلیس به بزه‌دیدگان خاص و بالقوه، همچون سالمندان، کودکان و زنان که در معرض آسیب دیدگی بیشتر قرار دارند و انجام اقدام‌های پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های ترمیمی در توسعه عدالت قضایی تأثیرگذار است (مقدسی، ۱۳۹۷، ۱۹۱).

## ۲. بایسته‌های ساختاری و مأموریتی فعالیت ترمیمی پلیس

همان‌طور که در قسمت بالا در خصوص نهاد پلیس بحث شد، پلیس در مفهوم سنتی اصولاً مسئول اجرای قانون از طریق خط مشی‌هایی است که از طرف حکومت القاء شده و اغلب باعث برچسب زنی و بدنامی عده‌ای از افراد می‌گردد. با این پیشینه و در این جایگاه، انتظار از پلیس برای اینکه مجری منصف و بی‌طرفی در اجرای برنامه‌های ترمیمی می‌باشد، انتظار به جایی نیست. به نظر می‌رسد اجرای عدالت ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان توسط پلیس مستلزم تغییر راهبردهای سازمانی و فرهنگی و وجود مقدمات و زمینه‌های لازم است که در صورت وجود آن‌ها می‌توان به اثربخشی برنامه‌های عدالت ترمیمی امیدوار بود.

### ۱-۲. تغییر راهبرد از سیاست‌های سختگیرانه کیفری به سیاست‌های جنایی مشارکت محور

معمولاً، آنچه از اقدامات پلیس و به طور عام نظام عدالت جنایی به ذهن متبادر می‌شود، سیاست‌های خشن و سزاگرا است. این اقدامات، قبلاً، در قالب مکتب کلاسیک حقوق کیفری و امروزه، در جنبش بازگشت به کیفر در چهارچوب عدالت استحقاقی تعمیم یافته است.

در مقابل، سیاست جنایی، در مفهوم موسع، بزه‌دیده را عنصری فعال در روند عدالت جنایی شناخته که از حقوق فراوانی برخوردار است و کنشگران، از جمله پلیس، در حال خدمت به بزه‌دیدگان هستند. عدالت ترمیمی به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی: همچون تخصیص غیرقضایی و مشارکت جامعه مدنی در اجرای آن، قرابت بیشتری با نوع خاصی از سیاست جنایی موسوم به سیاست جنایی مشارکتی دارد. مفهوم مشارکت در معانی مختلفی، همچون سهیم شدن، تقسیم کار، مسئولیت پذیری و اشتراک مساعی مورد استفاده قرار گرفته است. به رغم برداشت‌های گوناگون، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت

در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند. افزون بر آن، ورود این واژه به قلمرو سیاست جنایی، جدیدترین و مهمترین گرایش سیاست جنایی را به وجود آورده است.

سیاست جنایی مشارکتی در دوره معاصر غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جرمشناختی، به ویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی زرادخانه حقوق کیفری جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرد و از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد.

بدین‌سان ضروری است، در همین مدت کوتاه آثار ارزشمند و قابل توجهی به جای گذارده و به سرعت در حال تحول و تکامل است تا جایی که به رویکرد اصلی سیاست جنایی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد تبدیل شده است. به طور کلی، منظور از سیاست جنایی مشارکتی بررسی و مطالعه‌ای است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی از رهگذر اعطای نقش به بزهکار، بزه دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است که دارای اصولی می‌باشد. این اصول عبارت بودند از:

- مأموریت اصلی متصور برای پلیس، پیشگیری از جرم است.
- توانایی پلیس در انجام این مهم، منوط به تأیید عمومی اقدامات پلیس توسط مردم دارد.
- پلیس باید همکاری مردم در نظارت داوطلبانه بر اجرای قانون را تضمین نموده و از این طریق احترام به حقوق عامه را نیز حفظ و تأمین نماید.
- میزان همکاری مردم می‌تواند ضرورت استفاده از اقدام فیزیکی را کاهش دهد.
- پلیس نه از رهگذر جلب افکار عمومی، بلکه از طریق نمایش مداوم ارائه خدمات بی‌طرفانه و اقدامات قانونمند، باید به دنبال حفظ منافع عمومی باشد.
- پلیس باید به میزان ضرورت از نیروی فیزیکی برای تأمین امنیت، رعایت قانون و اعاده نظم و قانون استفاده کند، البته زمانی که هشدار و اقدامات تعقیبی دیگر مؤثر واقع نشود.
- پلیس باید در تمام شرایط، ارتباط خود با مردم را حفظ کرده و این واقعیت را القاء نماید که پلیس از مردم بوده و مردم از پلیس هستند.
- پلیس بودن مختص مأموران رسمی پلیس که رابطه استخدامی با پلیس داشته و در ازای خدمات حقوق دریافت می‌کنند، نیست، بلکه هر شهروندی که در راستای حفظ منافع عمومی یک پلیس محسوب می‌شود.
- پلیس باید به طور مستقیم وظایف خاص خود را انجام داده و در مورد وظایف نهادهای قضایی دیگر، مداخله نکرده و یا اقدام به غصب قدرت ایشان ننماید.



- ارزیابی کارآمدی و سودمندی اقدامات پلیس، منوط به عدم وجود جرم و بی‌نظمی است، و نه صرف مشاهده و اقدامات ظاهری در برخورد با جرائم است (Nazemi, 2002, 39)

می‌بایست این مهم را مد نظر قرار داده که تمام این اصول مبین نوعی ارتباط مأموریتی پلیس با جامعه مدنی است که ضمن ارتقای مقبولیت عمومی پلیس باعث موفقیت پلیس در انجام وظایف خود خواهد شد. دقت در این اصول تشکیل دهنده مبانی اصلی اجرای سیاست جنایی مشارکتی و در نتیجه اجرای برنامه‌های ترمیم مدار پلیس به عنوان بخش مهمی از مفهوم موسع سیاست جنایی خواهد بود.

## ۲-۲. تحول ساختاری؛ از پلیس سنتی به پلیس جامعه محور

در پلیس سنتی، پلیس مؤسسه‌ای دولتی است که مسئول اجرای قانون است و نقش پلیس در جامعه در حل مشکل جرم و جنایت خلاصه می‌شود. موفقیت پلیس در این سیستم‌ها به وسیله میزان کشف و دستگیری سنجیده می‌شود و اولویت کار پلیس برخورد با جرائم مالی شدید یا جرائم توأم با خشونت است.

یکی از راهبردهای پیشگیرانه پلیس جامعه محور نسبت به پلیس سنتی، رویکرد پلیس هشدار دهنده به جای پلیس تعقیب کننده است؛ به عبارت ساده‌تر، پلیس برای حفظ امنیت اجتماعی و اجرای وظایف ذاتی خود ناگزیر از امر و نهی به دیگران و اعمال قدرت است. در این راهبرد عدالت ترمیمی به عنوان الگویی که در کنار الگوی عدالت جنایی سنتی، جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های مختلف دارد، اهداف چندگانه ای از جمله ترمیم خسارت بزه دیده، آشتی بین بزه دیده و بزهکار و بازگرداندن انسجام گسسته شده در اجتماع در نتیجه وقوع جرم را دنبال می‌کند (مقدس، ۱۳۹۷، ۱۸۹).

از مهمترین ویژگی‌های پلیس سنتی می‌توان به ویژگی‌های زیر اشاره کرد:

- در مدل پلیس سنتی، پلیس یک نهاد دولتی است و خود را بیشتر مسئول اعمال قانون می‌داند؛
- پلیس سنتی وظیفه عمده خود را در روشن کردن وضعیت پرونده‌های کیفری و جرائم می‌داند
- پلیس سنتی میزان کارایی خود را در شناسایی و دستگیری متخلفان می‌داند؛
- اولویت‌های مدل سنتی پلیس مبارزه با جرائم بزرگ و پیچیده است؛
- پلیس سنتی به طور ویژه به وقایع و حوادث و جرائم ارتكابی توجه می‌کند؛
- معیار کارایی پلیس سنتی، در میزان سرعت و حضور در صحنه جرم است؛
- پلیس سنتی بسیار متمرکز و تحت قوانین و مقررات سخت قرار دارد و در عمل عرف و عادات شغلی و صنفی در آن حکومت می‌کند؛

- پلیس سنتی تعقیب قضایی جرائم را هدف عمده و مهم خود می‌داند و به همین جهت تهیه آمار از فعالیت‌های معمول درباره تشکیل پرونده‌های جنایی برای این نهاد مهم است؛ البته لازم به ذکر است،

آن چیزی که امکان ورود تدریجی اصول و قواعد مربوط به عدالت ترمیمی را به نظام قضایی کشور تسهیل می‌کند، وجود برخی نهادها در نظام قضایی کشور ما و مبانی مقتضی شریعت اسلام از یک سو و ماهیت انعطاف پذیر نظام عدالت ترمیمی از سوی دیگر هست. در هر حال، حرکت به سوی دادرسی ترمیمی و پیش بینی نتایج، احتمالاً، نیاز به عزمی جدی از جانب قانونگذار در اجرای اصول مربوط به آن؛ ثانیاً، قدرت اجرایی عدالت ترمیمی در کشور باید مورد توجه باشد تا بتوان قواعد عدالت ترمیمی را آن‌گونه که فرهنگ ایرانی و اسلامی کشور ما ایجاب می‌کند، در کشور جاری نمود.

در واقع، به کار بردن عدالت ترمیمی در حل اختلافات جامعه توسط پلیس فواید مثبتی، مانند قضازدایی، کیفر زدایی، جرم زدایی، ترمیم حقوق افراد، مصالحه بین افراد جامعه، پیشگیری از جرم، بالا بردن تأمین امنیت جامعه و بسیاری از فواید دیگر که باعث تقویت جامعه شده و سازمان پلیس را در به کار بردن برنامه‌های ترمیمی مصمم می‌سازد. در آخر، با توجه به قدم‌های اولیه که در زمینه پلیس ترمیمی برداشته شده می‌توان با افزایش تجربه و تخصصی شدن پلیس در این زمینه، همچنین تلاش‌های ملی و بین‌المللی، می‌توان امیدوار بود که پلیس ایران بتواند با به کارگیری برنامه‌های ترمیمی قابلیت‌های خود را در جامعه به عرصه ظهور برساند؛ پس در اینجا هم آموزش نیروهای پلیس و هم فرصت‌های ساختارسازی پایداری بر اساس محور حل مسأله اهمیت دارند.

پلیس ترمیمی عضو جامعه و مردم است و مردم نیز خود را جزء پلیس و به ویژه فعال در حل و فصل مسائل کیفری و رویکردی حاوی حل و فصل مسائل مربوط یا ناشی از بزهکاری دارد و کارایی و میزان موفقیت خود را در میزان و نوع همکاری مردم با خود و تعداد موفقیت آمیز بودن از کل رسیدگی‌هایی که انجام شده می‌داند و خلاف پلیس سنتی که بسیار متمرکز و تحت قوانین و مقررات سخت قرار دارد، پلیس ترمیمی با توجه به نیازها و مسئولیت‌هایی که دارد به طور انعطاف پذیر اقدام می‌کند. مجهز کردن پلیس به ارتباط تلفنی مناسب و فوری، دسترسی آسان و به موقع به آن، همجوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آنان باعث بالا بردن خدمات رسانی پلیس به جامعه می‌شود که در راستای آن، توسعه و گسترش واحدهای مشاوره و مددکاری کلاثری‌ها در مراجعه افراد جامعه در استفاده از خدمات این واحدها مؤثر است.

آموزش تخصصی و حرفه‌ای نیروهای پلیس در برخورد با افراد شرکت‌کننده در فرایندهای عدالت ترمیمی و پاسخ به جرائم با ارائه آموزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی در راستای درک شرایط و موقعیت بزه‌دیدگان که ناشی از جرم است، در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های پلیس، باید در نظر گرفته شوند.

همچنین داشتن برخورد و رفتارهای احترام آمیز، همدلی و بدون هر نوع پیش داوری در برخورد با افراد شرکت‌کننده، حمایت‌های مدنی و دولتی، همکاری با سایر نهادهای قضایی و دادن منابع، امکانات

و اختیارات برای خارج کردن پرونده از رویکرد رسمی از اقدامات مهمی هستند که برای توسعه این رویکرد ضروری هستند؛ بر این اساس برخی از مهمترین ویژگی‌های رویکرد پلیس جامعه محور عبارت هستند از:

#### الف) تأکید بر پلیسی‌گری مشارکتی

در رویکرد پلیس جامعه محور، مشارکت عمومی در تحقق اهداف پلیس، یکی از مهمترین ویژگی‌ها است، خلاف رویکرد سنتی که در آن پلیس، وظیفه تأمین امنیت را برعهده داشته و ارائه کننده آن است، در پلیس جامعه محور، مشارکت تمام نهادهای مدنی و نیز دولتی در تحقق اهداف و وظایف پلیس مد نظر است.

#### ب) توجه به امنیت محسوس همزمان با حفاظت از امنیت موجود

از بهترین شاخصه‌های رویکرد اجتماع محور پلیس، گسترش احساس امنیت همزمان با وجود امنیت است. پژوهش‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد، احساس امنیت، بیش از وجود امنیت، برای شهروندان، حائز اهمیت است و بر ظرفیت جنایی و بزه دیدگی جامعه اثر می‌گذارد (بیات، ۱۳۸۷، ۱۷).

#### ج) افزایش سرمایه اجتماعی پلیس

رویکرد اجتماع محور پلیس با اعتقاد به اینکه افزایش اعتماد و همکاری مردم با پلیس، مهمترین سرمایه پلیس برای انجام وظایف و تحقق اهداف است، به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی پلیس است. افزایش سرمایه اجتماعی پلیس، شاخص‌هایی دارد که افزایش یا کاهش آنها می‌تواند سرمایه اجتماعی پلیس را افزایش یا کاهش دهد؛ از جمله این شاخص‌ها اعتماد، اعتقاد، رضایتمندی و مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به پلیس است. به منظور تأمین سرمایه اجتماعی، پلیس باید به دنبال آن باشد که با ارائه خدمات مورد نیاز شهروندان، اعتماد آنان را جلب کند. این اعتماد زمانی فراهم خواهد شد که شهروندان صادقانه پلیس را خدمتگزار خود بدانند نه مأمور ناظر و مراقبت خود.

#### د) افزایش کنترل غیررسمی

پلیس جامعه محور با افزایش نقش مشارکتی مردم و نهادهای دولتی در زمینه تأمین نظم و امنیت به دنبال گسترش کنترل غیررسمی است. بدیهی است به دلیل گستردگی دامنه کنترل غیررسمی این امر به مراتب دامنه امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را خواهد افزود و اهداف پلیس را محقق خواهد کرد.

براین اساس شرایط اجرای برنامه‌های ترمیمی در سازمان پلیس شامل موارد زیر است:

پس از وقوع پدیده مجرمانه، ارتباط بزه دیده با نظام عدالت جنایی، به ویژه پلیس، آغاز می‌شود. نظریه‌های مختلفی در خصوص اعتماد بیان شده است؛ برای نمونه دیوید جانسون معتقد است: برای ایجاد ارتباط ( برای نمونه ارتباط نهادهای اجرای الگوی عدالت ترمیمی ) فرد باید بتواند فضای آکنده

از اعتماد را ایجاد کند که ترس‌های خود و دیگری را از طرد شدن برهاند و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را ارتقا بخشد. از آنجا که مشارکت فعال تمام اعضای حاضر در فرآیند عدالت ترمیمی مستلزم وجود اعتماد متقابل به یکدیگر از جمله تسهیل کنندگانی مانند پلیس در برنامه‌های ترمیم مدار است، می‌توان از ظرفیت مورد اشاره در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری که به لزوم مورد اعتماد و آموزش دیده بودن نیروهای پلیس اشاره دارد، در فرآیندهای ترمیم مدار نیز استفاده نمود.<sup>۱</sup>

### ۳. اجرای فرآیندهای عدالت ترمیمی توسط پلیس

هرچند برنامه‌های ترمیمی پلیسی ممکن است از نظر شکلی متفاوت باشند؛ ولی در ترمیمی بودن، وجه اشتراک دارند. مهمترین برنامه‌های پلیس در راستای گسترش عدالت ترمیمی را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

#### ۳-۱. میانجیگری پلیس

میان شیوه‌های عدالت ترمیمی فرآیند میانجیگری از اولین برنامه‌های عدالت ترمیمی و حتی گسترده‌ترین آن‌ها است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در دادگاه‌ها انجام می‌شود. رابطه میانجیگری با عدالت ترمیمی به حدی نزدیک است که تفکیک این دو از هم دشوار می‌کند. میانجیگری در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ از حیث ساختار و تشکیلات اداری دارای ۳ اصل مهم هست؛ مقتضی بودن تعقیب، بزه‌دیده مدار بودن و اختیاری بودن. منظور از موقعیت داشتن تعقیب در میانجی‌گری مفید تشخیص دادن تعقیب و اختیاری بودن آن از سوی مقام قضایی در دادگاه است.

اصل مشارکت اختیاری در میانجیگری پیش‌زمینه و پیش شرط لازم برای هر نوع میانجیگری کیفری در دادگاه‌ها بوده و بدون آن امکان موفقیت فرآیند میانجیگری از بین خواهد رفت. این اصل ممتاز میان فرآیندهای عدالت ترمیمی با فرآیندهای رسمی رسیدگی کیفری است و در آن، حق انتخاب به بزه‌دیده و بزه‌کار واگذار شده است (نجفی ابرنآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۹۹).

۱. ماده ۳۰- احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

تبصره ۱- دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزرای اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

در بند پ ماده ۱۳ اصول اساسی استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری مقدر می‌دارد که «هیچیک از بزه‌دیده و بزه‌کار نباید با روش‌های غیر منصفانه به شرکت در فرآیند ترمیمی یا پذیرفتن برآیندهای ترمیمی مجبور یا وارد شوند».

اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی توسط پلیس، نیاز به فراهم نمودن و تقویت مقدمات و زمینه‌هایی دارد که در صورت وجود آن‌ها، می‌توان به اثربخش بودن برنامه‌های عدالت ترمیمی امیدوار بود. مهمترین عامل عبارت است از اعتماد بزه‌دیده به پلیس پس از وقوع پدیده‌ی مجرمانه ارتباط بزه‌دیده با نظام عدالت جنایی و بخصوص پلیس که دارای نقشی مهم است آغاز می‌شود (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۱).

پلیس با الهام از سیاست‌های گذشته و در اجرای وظیفه قانونی مبنی بر میانجیگری، اقدام‌هایی در خصوص حل و فصل پدیده مجرمانه بین اصحاب دعوا به عمل می‌آورد که نمود عینی آن میانجیگری بین بزه‌دیده و بزه‌کار است که به صورت رسمی و غیررسمی عرفی انجام می‌شود (سماواتی، ۱۳۸۵، ۹۳-۱۳۷).

میانجیگری پلیس در همان مراحل آغازین فرآیند عدالت جنایی، برای بزه‌دیدگان منافع زیر را به دنبال دارد، در روش‌های حل و فصل سازشکارانه و میانجیگری، به بزه‌دیده به عنوان فرد و نه تنها یک گواه نگریسته می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱، ۱۲-۲۲)؛ به بیان دیگر، در این روش‌ها به بزه‌دیده به عنوان فردی که به طور مستقیم آزار و آسیب و در وضعیتی ساز و کاری در ساختار ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و مراجع قضایی را مکلف کرده است که به منظور دست یافتن به صلح و سازش میان طرفین اختلاف، از راهکارهایی همچون میانجیگری استفاده نمایند.<sup>۱</sup>

میانجیگر از بزه‌دیده دعوت می‌کند تا علاقه‌ها و منفعتهای خود را ابراز کند، از حقوق خود در زمینه دریافت خسارت آگاه شود و راه‌های استفاده از مشورت و مشاوره را بیاموزد و در فرآیند حل اختلاف، منفعتهای خود را بهتر ابراز کند. در روش‌های حل اختلاف سازشکارانه، به بزه‌دیده فرصت

۱. در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک بیان شده است: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

تبصره: بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا نماید.

اعطای مهلت به بزه‌کار برای تحصیل گذشت منجر به صدور قرار تعویق تعقیب می‌شود که برگرفته از اصل مقتضی یا مناسب بودن تعقیب است.

داده می‌شود تا احساسات خود را برای نمونه شرم، خشم، حساسیت و یا رضایت خود ابراز دارد؛ چراکه از این رهگذر امکان راهنمایی او برای مشاوره و درمان فراهم می‌شود؛ از نظر شکلی و تشریفاتی، روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه، این امکان را فراهم می‌کنند که بزه‌دیده خسارت خود را بدون درگیری شدن در تشریفات دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی دریافت کند؛ با توسل به شیوه‌های میانجیگری، هرگونه زیان وارده به بزه‌دیده به سرعت جبران می‌شود (قوام، ۱۳۹۰، ۱۹۵).

تناقضی که مطرح می‌شود از فلسفه وجودی پلیس به عنوان یک نهاد متولی ایجاد نظم و امنیت، با برنامه‌های ترمیمی که اقدامی در راستای به حداقل رساندن مداخله کیفری و اطلاع دادرسی و در واقع کاهش چتر کنترلی حاکمیت بر فرایند دادرسی‌ها است، ناشی می‌شود. رفع این آسیب‌ها مستلزم تحول در ساختار پلیس سنتی به سوی پلیس جامعه محور و تغییر مأموریت آن از مجری صرف سیاست کیفری بودن، به سوی انجام سیاست‌های جنایی مشارکت مدار است.

### ۱-۱-۳. نقش پلیس در منتهی شدن دعاوی به میانجی‌گری کیفری

سازمان پلیس از جمله نهادهای نظام عدالت جنایی است که در طول داسرا قرار داشته و عهده دار انجام تحقیقات مقدماتی در فرایند کیفری؛ البته با نظارت داسرا است. پلیس دارای نقش گسترده و حضوری پررنگ در عرصه‌های مختلف است و در زمینه گوناگونی به فعالیت می‌پردازد و با توجه به اینکه سازمان پلیس جزو اولین بخش‌هایی است که بزه‌دیده بعد از وقوع جرم به آن مراجعه می‌کند، بسیار می‌تواند در خصوص سازش دعاوی کیفری مؤثر باشد که البته در سال‌های اخیر شاهد حضور پررنگ‌تر پلیس در این خصوص بوده‌ایم (صبحی، ۱۳۹۳، ۷۳).

ساختار پلیسی یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مرحله از مراحل نظام عدالت جنایی هست. خدمات پلیس که جنبه حمایتی فوری دارند، لازمه و پیش شرط درک و تصور صحیح و مثبت از نظام عدالت جنایی هست و سنجش میزان توانایی یا اقتدار و ضعف یک دولت به عملکرد پلیس و مقررات خدمات پلیس و دستگاه و ساختار پلیس بستگی دارد (صبحی، ۱۳۹۳، ۷۶).

نقش پلیس در قالب واسطه، به عنوان نخستین واحد مورد مراجعه بزه‌دیده و یا نهادی که بر اساس درخواست افراد در صحنه جرم حاضر می‌شود، بی‌بدیل است. در واقع پلیس با توجه به شأن و منزلتی که دارد، در فرایند میانجیگری، اغلب به عنوان میانجی مورد پذیرش و درخواست عناصر تشکیل‌دهنده جرم وارد می‌شود.

پلیس در فرایند میانجیگری در مراحل ارجاع، ایجاد آمادگی در طرفین برای میانجیگری، انجام میانجیگری و برآیندگیری و پیگیری نتایج حاصله از آن، نقش مؤثری را ایفا می‌کند (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۱).



وظیفه پلیس، حمایت از آزادی و حقوق شهروندان، اجرای قوانین، مقررات و الزامات دولت، مبارزه با جرائم، حفظ نظم، ارائه کمک در موارد اضطراری، دستگیری بزهکار، پیشگیری از وقوع جرم است که با نگاهی به این وظیفه می‌توان به این نتیجه رسید که پلیس به عنوان یکی از ارگان‌های دولتی، می‌تواند با رفتار قاطع و سریع در کنار مبارزه با جرم و مقابله با مجرمان شرکت جسته و خدمات فراوانی را به بزه‌دیدگان ارائه دهد و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان عملی سازد.

پلیس به عنوان میانجی آموزش دیده، مکان و زمان ملاقات و مقدمات آن را فراهم می‌کند و شرکت کنندگان به دلیل اعتماد و فضای ایجاد شده توسط پلیس تشویق می‌شوند تا اطلاعات واقعی و احساسات حال، گذشته و آینده را بیان کنند. در اثر این ملاقات، بزه دیده از انگیزه بزهکار، تأثیر دستگیری و اقدامات قضایی بر رفتار بزهکار و مشکلات قبلی و فعلی بزهکار که در وقوع پدیده مجرمانه مؤثر بوده است، آگاه می‌شود و بزهکار نیز از آثار بزه بر بزه‌دیده اعم از صدمات مادی، معنوی و بزه‌دیدگی ثانویه مطلع می‌شود. پلیس نیز ضمن آگاه نمودن طرفین از پیامدهای حقوقی بزه و آثار فردی و اجتماعی آن و با استفاده از فرهنگ و آداب و رسوم و نقاط مشترک عناصر تأثیرگذار بر بزه، سعی در حل و فصل پدیده مجرمانه می‌نماید (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۲).

پلیس می‌تواند در امر سازش بین طرفین مؤثر باشند؛ چراکه در بسیاری از مواقع طرفین به محض وقوع جرم، به کلاتری مراجعه می‌کنند و اقدامات مناسب و بجای این واحدها می‌تواند اختلاف را در همان ابتدای پیدایش خاتمه دهد؛ به عبارتی دیگر هرگاه مقرر گردد، رابطه افراد جامعه بر اساس رعایت حقوق دیگران و عدم تجاوز به حقوق دیگران استوار گردد، ضمانت اجرای این امر مستلزم تأسیس نیرویی است که بتواند ناظر بر اجرای دقیق آن باشد (یوسفی مراغه، ۱۳۸۸، ۱۳۵). این ضمانت اجرا در برخی موارد استفاده از اختیار خاصی مبنی بر دستگیری افراد را می‌طلبد؛ از این رو، دستگیری به عنوان یکی از اختیارات در راستای انجام وظیفه حفظ نظم عمومی به پلیس واگذار شده است.

ساختار پلیسی یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مرحله از مراحل نظام عدالت جنایی هست. خدمات پلیس که جنبه حمایتی فوری دارند، لازمه و پیش شرط درک و تصور صحیح و مثبت از نظام عدالت جنایی هست و سنجش میزان توانایی یا اقتدار و ضعف یک دولت به عملکرد پلیس و مقررات خدمات پلیس و دستگاه و ساختار پلیس بستگی دارد.

### ۳-۱-۲. مشکلات پلیس در تعامل با عدالت ترمیمی

ماهیت کار پلیس انجام میانجیگری را برای مأموران آن دشوار می‌کند. برخی از مشکلات پلیس در این زمینه، همان مشکلاتی است که سایر میانجیگران دارند و برخی نیز مخصوص پلیس است. ممکن است پلیس به دلیل قدرتی که دارد، نظرات خود را به طرفین دعوا تحمیل کند (غلامی، ۱۳۹۰، ۷۶).

برای حل این مشکلات تدابیری بدین بیان به نظر می‌رسد؛ برای حل مشکل اول می‌توان از ابتدا با دسته‌بندی جرائم تا حد زیادی نوع جرائم قابل میانجیگری توسط پلیس را مشخص کرد و یا اینکه کارشناس صلاحیتداری را در دایره ارجاع و تقسیم پرونده‌ها به کار گمارد تا موارد قابل میانجیگری را معین کند.

برای حل مشکل دوم، اولاً نیازی نیست که پلیس در انواع گوناگون مناقشات میانجیگری کند و ثانیاً می‌توان با ایجاد واحد مخصوص میانجی‌گری در اداره‌های پلیس، کار را به دست متخصصان مربوطه سپرد (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۵).

برای حل مشکل سوم نیز می‌توان افسران مخصوصی را برای امر میانجیگری آموزش داد و یا به عکس، یعنی: کارشناسان روانشناسی را با طی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت به عنوان پلیس متخصص به کار گرفت.

برای حل مشکل چهارم و پنجم باید آگاهی مردم را بالا برد و با نظارت بر کار پلیس به آن‌ها اطمینان داده هیچ اجباری به پذیرش میانجیگری پلیس یا نتایج آن ندارند (شیری، ۱۳۹۶، ۸۸).

از دیگر مشکلاتی که در به‌کارگیری اصول عدالت ترمیمی برای پلیس وجود دارد این است که در پیش برد این اصول وجود یک فضای آرام که از امکانات تهویه و نور و مساحت کافی برخوردار باشد بسیار حائز اهمیت است؛ در حالی که در اکثر مواقع اتاق‌های مشاوره و مددکاری مستقر در واحدهای کلانتری فاقد این امکانات است (فروزش، ۱۳۸۶، ۸۹؛ قنبرپور، قربانی، ۱۴۰۱، ۶۰).

دیگر اینکه اگرچه در بسیاری مواقع تحصیلات مشاوران ممکن است تا سطح کارشناسی ارشد باشد؛ اما در غالب موارد تحصیلات آنان با مسئولیتشان غیرمرتبط است و در عمل نیز فاقد آموزش‌های مناسب هستند و بنابر مراتب یادشده، آنان نیازمند آموزش‌های دوره‌ای، شرکت در کلاس‌های آموزشی و کسب مهارت در زمینه مختلف علمی به خصوص با گرایش حقوق و روانشناسی دارند.

### ۲-۳. نشست‌های گروهی و ترمیمی

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا، بهره‌گیری از این روش تأثیر مثبتی در تغییر طرز تفکر بزهکاران نسبت به پلیس و نظام عدالت جنایی داشته است (غلامی، ۱۰۲، ۱۳۹۰). در این برنامه، افزون بر حضور بزهکار، بزه‌دیده و پلیس آموزش دیده به عنوان تسهیل کننده، از میانجیگران دیگری، مانند: اعضای جامعه محلی و خانواده آنان و نهادهای جامعه مدنی استفاده می‌گردد.

نشست ترمیمی، عموماً، به عنوان یکی از شیوه‌های اعمال مفاهیم و اصول عدالت ترمیمی در انجام فعالیت‌های پلیسی از جمله هشداردهی، شناخته می‌شود؛ همان‌گونه که فعالیت‌ها و تبلیغات پلیس اشاره دارد، عدالت ترمیمی از اصول شرمسازسازی برای مداخله در چرخه ارتکاب جرائم استفاده می‌کند.

مزیت اصلی این نشست‌ها این است که به جای شرمسازای برچسب زننده، که در فرآیند عدالت جنایی سنتی مشهود است؛ نوعی شرمسازسازی سازنده، فعال و خودجوش وجود دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۱۰۵۹).

در این نشست‌ها پلیس با دعوت از جامعه محلی، که عموماً از افراد مورد توافق و امین انتخاب می‌شود، و با دعوت از خانواده‌های طرفین « به عنوان تسهیل کننده‌ای آموزش دیده » سعی در نزدیک کردن دیدگاه‌های طرفین نموده و مسئولیت اداره جلسه را بر عهده دارد؛ برای نمونه مشارکت مأموران مجرب پلیس و بازنشستگان این نیرو برای حضور و کمک به برگزاری جلسات NA3 یا معتادان گمنام جهت کاهش آسیب‌های اعتیاد و ترک معتادان، نمونه موفقی از این حضور است. اهمیت این روش نسبت به میانجیگری در خصوص جرائمی که فاقد بزه‌دیده مستقیم است، مشخص می‌شود؛ زیرا در میانجیگری وجود بزه‌دیده مستقیم لازم است؛ ولی در جرمی که برای نمونه امنیت محله‌ای سلب شده است و بزه‌دیده مستقیم وجود ندارد، روش دوم کاربرد خواهد داشت.

در این جلسات، پلیس به عنوان تسهیل‌گر اصلی، پیامدهای ناتوانی در رسیدن به توافق کلی را توضیح داده، مشارکت داوطلبانه را متذکر می‌شود و بدین وسیله راه برای ادامه نشست فراهم می‌سازد. مکانیزم دیگری که در این نشست‌ها کاربرد دارد، ایجاد « شرمسازای بازپذیرکننده » است که از نظریه « برایث ویت » برگرفته شده و در آن به جای تأکید بر مجرم، بر فعل مجرمانه تأکید می‌شود.

این نکته را نباید فراموش کرد که مشارکت جامعه مدنی در فرایند کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد توجه بوده و از اعلام جرم تا اعتراض به احکام صادره متغیر است. هرچند از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به طور صریح نمی‌توان موضوع عدالت ترمیمی را برداشت نمود، لیکن به نحو ضمنی می‌توان به این نتیجه رسید که جامعه مدنی امکان تشکیل و شرکت در برنامه های ترمیم مدار را دارد؛ زیرا این ماده به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، اجازه داده است تا نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

### ۳-۳. حلقه‌های تعیین مجازات

این حلقه که ریشه در فرهنگ بومی شمال کانادا دارد، در مورد اشخاصی تشکیل می‌شود که به بزه خویش اقرار داشته و آمادگی دارند، هر کیفری را که حلقه مجازات تعیین کرده است، داوطلبانه بپذیرند. فضای درون حلقه، توافقی و دوستانه بوده و هدف اصلی آن توجه به نیازهای بزه‌دیده و التیام بزهکار است؛ به دیگر سخن، حلقه‌های تعیین مجازات حلقه التیام بزه دیده و بزهکار است.

این میان، باید این مهم را مطمح نظر قرار داد که مأموران پلیس، وکلا، قضات، بزه دیدگان و اعضای جامعه در رسیدن به توافقی درخصوص نوع و میزان مجازات، مشارکت فعالی دارند. با این حال، توافق مذکور پس از تصویب جهت تأیید نهایی به قاضی پیشنهاد می‌شود. در این حلقه‌ها با توجه به اینکه پلیس در متن جامعه و برخورد با بزه قرار دارد و آثار مجازات و جرم را مستقیم و بدون واسطه لمس می‌کند، می‌تواند از اعضای اصلی پیشنهاد دهنده طرح محسوب شود.

افزون بر این، پلیس به عنوان تسهیل‌کننده اصلی و مجری عدالت جنایی می‌تواند نقش مهمی در تشکیل این حلقه‌ها در محله‌های مناسب داشته باشد و در صورت لزوم از افراد باتجربه در این حلقه‌ها دعوت کند.

هرچند در ایران این حلقه‌ها به مرحله عملیاتی نرسیده‌اند؛ لیکن در جرائم قابل گذشت و ظرفیت‌هایی که قانونگذار برای حل و فصل غیرکیفری آنها در نظر گرفته، می‌تواند به نحو شایسته مورد استفاده قرار گیرند.

### نتیجه‌گیری

امروزه پاسخگویی، ارائه خدمات مطلوب پلیسی با پیشگیری از وقوع جرم و کاهش تکرار آن، کاهش ترس از جرم و بزه‌دیدگی، توجه به حقوق بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه، از جمله عواملی هستند که برای سنجش کارایی سازمان‌های پلیسی مورد توجه قرار می‌گیرند. این موارد جامعه را نیازمند حضور پلیسی خدمت‌رسان، پاسخگو و مشارکت‌پذیر کرده است. پلیسی که به جای اینکه منتظر ارتکاب جرم باشد تا در نقش ضابط دادگستری درصدد کشف آن برآید، با شیوه‌های کنشی تلاش می‌کند تا با شناسایی مسائل، راه حل برای آنها بیاندیشد؛ به بیان دیگر، با آینده‌نگری در پی آن است که زمینه ارتکاب جرم را از بین برده و به اصلاح امور بپردازد. پلیس با رویکرد ترمیمی خود می‌کوشد تا با اجرای رویه و مداخله‌های ترمیمی، علاوه بر ایجاد بستر گفت و گو در سطح جامعه، فضای مناسبی را برای برقراری عدالت فراهم نموده و همه افراد را در اجرای این عدالت سهیم کند.

استقرار عدالت واقعی تنها با اجرای عدالت مبتنی بر سزادهی ممکن نیست. عدالت ترمیمی روشی است که می‌تواند مکمل عدالت سنتی سزاده محسوب و به آن امکان تحرک، پویایی و اصلاح را اعطاء نماید؛ لذا نباید به این الگو به عنوان نمونه‌ای که الغاء‌گر کیفر است و یا الگویی که باعث تخریب الگوی سزادهنده است، نگریست. عدالت زمانی محقق می‌شود که در جهت اصلاح آسیب‌های ناشی از بزه، جبران و التیام آن، نیازهای مادی و معنوی بزه‌دیده شناسایی و در جهت رفع این نیازها تلاش شود.

نظام کیفری اسلام، علاوه بر شباهت و قرابتی که با نظریه‌های سزادهی و بازپروری داشته، با آموزه‌ی عدالت ترمیمی نیز نزدیک و سازگار به نظر می‌رسد.

اصلی‌ترین هدف عدالت ترمیمی در کنار هم قرار دادن بزه‌دیده، جامعه و بزه‌کار در جریان یک نقش آفرینی کارآمد است که در نتیجه آن به نیازهای بزه‌دیده توجه می‌شود و بزه‌کار نیز آگاهانه مسئولیت های ناشی از عمل مجرمانه خویش را می‌پذیرد و جامعه نیز از این تعامل سازنده احساس رضایت‌مندی می‌کند.

بدون شک نقش پلیس در رویکرد بزه‌دیده محور و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی بی‌بدیل است؛ زیرا پلیس نهادی است که در اکثر کشورها عموم مردم به آن اعتماد دارند و به دلیل این اعتماد در مراحل نخستین بزه‌دیدگی به آن مراجعه می‌کنند. لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی دوباره و مجدد، اطاله دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام عدالت جنایی، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده خواهد شد. توجه پلیس به بزه‌دیدگان خاص و بالقوه همچون سالمندان، کودکان و زنان که در معرض آسیب‌دیدگی بیش‌تر قرار دارند و انجام اقدامات پیشگیرانه و اجرای برنامه‌های ترمیمی در توسعه عدالت قضایی تأثیرگذار است.

در خصوص سازش انجام گرفته در دادرسی، واحدی به نام صلح و سازش وجود ندارد. طرفین ممکن است نزد خود مقام دادستانی سازش کنند و یا اینکه دادرسی پرونده را به کلاثری برای این امر ارجاع دهد.

در ماده‌ی یک قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف بیان شده برای آیین دادرسی کیفری صراحتاً از میانجیگری و صلح بین طرفین نام برده شده است. در این قانون نهاد میانجیگری برای نخستین بار در قوانین کیفری ایران پیش‌بینی شده است که این اقدام را می‌توان گامی مثبت در راستای هماهنگی قوانین کیفری ایران با تحولات جهانی ارزیابی کرد. در عرصه تعمیم برنامه‌های غیررسمی قضایی از جمله برنامه‌های ترمیمی در تمام سطوح از جمله ابعاد اجرایی که متولی آن نهادهای اجرای قانون، از جمله پلیس هستیم. امری که درباره نهادهای اجرایی عدالت جنایی از جمله پلیس، جز از طریق تغییر راهبردهای سیاست کیفری دولتی به سیاست جنایی مشارکتی و تحول در سازمان پلیس سنتی به سوی سازمانی نوین و جامعه محور ممکن نخواهد بود.

اقداماتی که در حال حاضر در سیستم قضایی ایران در راستای آشتی بین طرفین انجام می‌شود، بیشتر برای کاستن از بار دعاوی دادگاه‌ها است که در بسیاری مواقع تلاش می‌شود که به هر صورتی طرفین مصالحه کنند، حتی اگر رضایت کامل نداشته باشند.

آنچه در حال حاضر در شورای حل اختلاف هم انجام می‌گیرد، بسیاری از اصول عدالت ترمیمی رعایت نمی‌شود. موادی که در آیین دادرسی کیفری در خصوص میانجیگری تدوین شده است را می‌توان نسبت به قوانینی که تاکنون وجود داشته‌اند، اقدامی مترقی ارزیابی کرد. بدون شک نقش پلیس در رویکرد

بزه‌دیده محور و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی بی‌بدیل است؛ زیرا پلیس نهادی است که در اکثر کشورها عموم مردم به آن اعتماد دارند و به دلیل این اعتماد در مراحل نخستین بزه‌دیدگی به آن مراجعه می‌کنند.

لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه‌های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام‌های شخصی، بزه‌دیدگی مجدد و دوباره، اطلاع دادرسی و مراجعه بی‌مورد افراد به نظام عدالت جنایی، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده خواهد شد.

پلیس بر اساس مطالعات، تحقیقات و پژوهش‌های آماری، اسنادی و میدانی، تجارب، مشاهده‌ها و تجربه کارکنان خود به این باور رسیده که دستگیر کردن مجرمان و اعزام آنان به دادگاه و اعمال تنبیه و مجازات، اگرچه مؤثر است، اما راهکار مناسب و حل‌کننده مشکل نیست؛ بلکه برای برقراری نظم و امنیت در شرایط امروز جامعه ی ما، روشی کاملاً متفاوت با گذشته را باید در پیش گرفت.

در نهایت، یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در این رویکرد، نهاد پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای تعریف شده در نظام عدالت جنایی از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل موجب جرم استفاده می‌کند و در تلاش است تا با تغییر در ساختارهای سازمانی و روش‌های اجرایی خود، از مشارکت حداکثری اجتماع در کنترل جرم بهره‌برد. بر این اساس اهتمام پلیس بر این پایه استوار گردیده که به اشکال گوناگون، اعتماد شهروندان را نسبت به عملکرد خود جلب و با نشان دادن کارآمدی خود مشارکت مردم را در فعالیتهای مربوط به حوزه نظم و امنیت عمومی افزایش دهد. کاهش بوروکراسی اداری، ایجاد پلیس‌های تخصصی و تکریم ارباب رجوع از جمله راهبردهایی است که می‌تواند در راستای ارتقای مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم تأثیرگذار باشد.

#### کتابشناسی

۱. بیات، بهرام، (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره شانزدهم، شماره ۳۵، ص ۱۱۵-۱۳۲.
۲. سماواتی پیروز، امیر، (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
۳. شیرینی، عباس، (۱۳۹۶)، عدالت ترمیمی در دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیر حسن نیاز پور، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
۴. صبوحی، رحمان، (۱۳۹۳)، عدالت ترمیمی و نمودهای آن در قوانین ایران (مقدمه بر کتاب عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد، نوشته مارین لایمن)، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۵. عباسی، مصطفی، (۱۳۸۲)، افق نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول.



۶. غلامی، حسین، (۱۳۹۰)، آنچه در ایران عدالت ترمیمی نیست (مقدمه‌ای بر عدالت ترمیمی نوشته هوارد زهر)، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.

۷. غلامی، حسین، (۱۳۹۲)، عدالت ترمیمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ دوم.

۸. فروزش، روح‌الله، (۱۳۸۶)، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ نخست.

۹. قنبر پور، بهنام؛ قربانی، امید، (۱۴۰۱)، «بررسی تأثیر ایجاد ابلاغ و ثبت الکترونیکی در روند دادرسی قضائی»، آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، سال اول، شماره ۴، ص ۴۵-۶۷.

۱۰. قوام، میر عظیم (۱۳۹۰)، نقش پلیس در حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، تهران، نشر حدیث کوثر، چاپ اول.

۱۱. مقدسی، محمد باقر؛ میرزایی، محمد؛ غنی، کیوان (۱۳۹۷)، «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره نهم، شماره ۱، ص ۱۸۷-۲۱۴.

۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۳)، از عدالت کیفری «کلاسیک» تا عدالت «ترمیمی»، قضاوت، شماره ۲۶، ص ۱۸-۲۸.

۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، «جامعه‌شناسی جنایی: تقریرات درسی جامعه‌شناسی جنایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۴. یوسفی مراغه، مهدی، (۱۳۸۸)، «خدمات رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره چهارم، شماره ۱۳، ص ۱۳۳-۱۶۴.

15. Ashworth, A. (2002), "Responsibilities, rights and restorative justice", British Journal of Criminology, Vol. 42, 3.

16. Braithwaite, J. (2002), **Restorative justice and responsive regulation**, Oxford, Oxford University Press.

17. Nazemi, S. (2009), **Sir Robert Peel's: Nine principals of policing**, Retrieved: [http://www.lacp.org/2009-Articles-Main/062609-Peels 9 Principals Sandy Nazemi. htm](http://www.lacp.org/2009-Articles-Main/062609-Peels%209%20Principals%20Sandy%20Nazemi.htm)

18. Shapland, j, G, Robinson. A. (2011), **Sorsby, restorative justice in practice**, pub by: Roatledge.

